

پیام چهار
مشارکت نهادی کلیساها
برای ارتباط زنده آنها

مطالعه متون مقدس: مکاشفه ۲۲: ۱؛ اعمال ۲: ۴۲؛ اول قرنیتیان ۱۰: ۱۶-۱۸؛
دوم قرنیتیان ۱۳: ۱۴؛ فیلیپیان ۲: ۱؛ اول یوحنا ۱: ۳، ۷

۱. ما باید مشارکت نهادی کلیساها را ببینیم و وارد آن شویم:

آ. مشارکت، جریان حیاتِ جاودان در درون، از طریق و درین همه اعضای بدن زنده مسیح است؛
مشارکت توسط جریان آب حیات که از تخت خدا و برّه، در اورشلیم نو، جاری است، به تصویر
کشیده شده است - مکاشفه ۲۲: ۱.

ب. همانطور که گردش خون در بدن انسان موجود است، در بدن مسیح نیز گردش وجود دارد که
عهد جدید، آن را مشارکت می‌نامد - اول یوحنا ۱: ۳، ۷.

پ. مشارکت بدن مسیح، که مشارکت درین کلیساهاست، همان مشارکت رسولان است - اعمال ۲:
۴۲؛ اول یوحنا ۱: ۳:

۱. مشارکت از تعلیم می‌آید؛ اگر ما به طور اشتباه و متفاوت با تعلیم رسولان، که تعلیم اقتصاد
خداست، تعلیم دهیم، تعلیم دادن ما موجب تولید یک مشارکت فرقه‌ای و تفرقه آمیز می‌شود
- اعمال ۲: ۴۲؛ اول تیموتائوس ۱: ۳-۶؛ ۳-۴؛ دوم قرنیتیان ۳: ۸-۹؛ ۵: ۱۸:
(آ) تعلیم، مشارکت می‌آفریند، و مشارکت، از تعلیم حاصل می‌شود - اول قرنیتیان ۴: ۱۷؛
۱: ۹؛ ۱۰: ۱۶.

(ب) امروز در بازیابی خداوند، ما تحت تعلیم رسولان بوده و در مشارکت رسولان هستیم
- اعمال ۲: ۴۲.

۲. داشتن مشارکت با خدای سه‌یکتا در مشارکت رسولان، این است که منافع شخصی خود را
کنار گذاشته، و برای اجرای مقصود خدا، به رسولان و خدای سه‌یکتا ببینیم - فیلیپیان
۴: ۱۴؛ ۲: ۱؛ اعمال ۲: ۴۲؛ اول یوحنا ۱: ۳؛ اول قرنیتیان ۱: ۹؛ ۳: ۶، ۱۲.

ت. آن یک مشارکت الهی، مشارکتی یافته-شده است - یعنی مشارکت افقی که با مشارکت عمودی با
هم یافته شده است:

۱. نخستین تجربه رسولان، مشارکت عمودی با پدر و با پسر او، عیسی مسیح، بود، ولی وقتی
که رسولان حیات الهی را به دیگران گزارش دادند، آنها جنبه افقی مشارکت الهی را تجربه
کردند - اول یوحنا ۱: ۲-۳؛ اعمال ۲: ۴۲.

۲. مشارکت افقی ما با مقدسین، ما را به مشارکت عمودی با خداوند می‌آورد؛ سپس مشارکت
عمودی ما با خداوند ما را به مشارکت افقی با مقدسین می‌آورد:

(آ) ما توسط روح الهی، روح القدس، وارد جنبه عمودی مشارکت الهی می‌شویم؛ این جنبه
از مشارکت، به مشارکت ما با خدای سه‌یکتا، در محبت ورزیدن ما به او، اشاره دارد -
دوم قرنیتیان ۱۳: ۱۴؛ اول یوحنا ۱: ۳، ۶؛ مرقس ۱۲: ۳۰.

(ب) ما توسط روح انسانی وارد جنبه افقی مشارکت الهی می‌شویم؛ این جنبه از مشارکت،
به مشارکت ما با یکدیگر توسط بکار بردن روحمان در محبت به یکدیگر اشاره دارد -
فیلیپیان ۲: ۱؛ مکاشفه ۱: ۱۰؛ اول یوحنا ۱: ۲-۳، ۷؛ اول قرنیتیان ۱۶: ۱۸؛ مرقس
۱۲: ۱۳؛ رومیان ۸: ۱۰-۱۱؛ غلاطیان ۵: ۱۳-۱۵.

۳. در این مشارکت الهی، خدا با ما یافته می‌شود، این باهم یافته شدن، همان در هم آمیختن
خدا و انسان است تا برای رشد و دگرگونی ما در حیات، ترکیب الهی را به درون وجودمان
آورد - لائویان ۲: ۴-۵.

ث. مشارکت الهی، در زندگی مسیحی، همه چیز است:

۱. همانطور که جریان برق، خود برق است، مشارکت حیات الهی، جریان حیات الهی، خود حیات الهی است.

۲. وقتی که مشارکت محو می شود، خدا نیز محو می شود؛ خدا به عنوان مشارکت می آید - دوم قرنیتان ۱۳: ۱۴؛ مکاشفه ۲۲: ۱.

۲. ما باید رابطه زنده کلیساها را ببینیم و وارد آن شویم؛ این همان رابطه منحصر به فرد کلیسای منحصر به فرد است (کلیسای عالمگیر که ترکیبی از همه کلیساهای محلی است)؛ «کلیسا» در اول قرنیتان ۱۲: ۲۸ اشاره دارد به کلیسا در هر دو جنبه عالمی و محلی آن:

آ. این رابطه زنده، به طور منحصر به فرد و عالمی، در بین کل کلیساهای محلی، به عنوان یگانه بدن زنده مسیح، تمرین می شود - دوم قرنیتان ۱۳: ۱۴؛ اول یوحنا ۱: ۳، ۷.

ب. همه کلیساهای محلی، یک کلیسا هستند؛ رابطه زنده آنها بر اساس مشارکت زنده حیات الهی است؛ در بین همه کلیساها، که آن یک بدن عالمگیر مسیح را تشکیل می دهند، هیچ سازماندهی وجود ندارد، بلکه مشارکت بدن مسیح وجود دارد - فیلیپیان ۱: ۵؛ اعمال ۹: ۳۱.

پ. کلیسا در یک محله نباید طرز برخوردی داشته باشد که هیچ کاری با یک محله دیگر ندارد؛ یک درک ذاتاً اشتباه و تعلیم متفاوت درباره رابطه جدا و خودمختار کلیساها، در بین ما وجود داشته است؛ این تعلیم اشتباه و متفاوت باعث تفرقه پس از تفرقه می شود.

ت. بازبانی خداوند بر اساس این حقیقت است که مسیح فقط یک بدن دارد، که در محله های بسیار به عنوان کلیسای محل ابراز می شود؛ از آنجا که یک روح وجود دارد، تنها یک بدن وجود دارد، و تنها یک گردش حیات در بدن هست؛ این گردش، همان مشارکت بدن مسیح است که آن مشارکت در بین کلیساهاست - افسسیان ۱: ۲۲-۲۳؛ ۴: ۴-۶؛ اول یوحنا ۱: ۳، ۷؛ مکاشفه ۱: ۱۱.

ث. یک کلیسای محلی قسمتی از یگانه بدن مسیح است، و مشارکت بدن به طور عالمی، یک است؛ در مشارکت الهی، هیچ جدایی نیست - مکاشفه ۱: ۱۱؛ ۲: ۷:

۱. هیچ کلیسا یا منطقه ای نباید خودش را از مشارکت بدن جدا کند؛ نتیجه اینکه یک کلیسا یا یک منطقه خود را از مشارکت بدن مسیح جدا کند تاریکی، اغتشاش، تفرقه، و مرگ است.

۲. اگر ما خود را از مشارکت بدن جدا کنیم، صلاحیت نداریم که از شام [میز] خداوند برخوردار شویم، زیرا آن قرص نان بر میز در شام خداوند نشانگر کل بدن مسیح است - اول قرنیتان ۱: ۱۶-۱۷؛ ۱۱: ۲۵-۲۸.

۳. مشارکت الهی همان واقعیت زیستن در بدن مسیح در یگانگی روح است - اول قرنیتان ۱: ۹؛ ۱۰: ۱۶-۱۸؛ ۱۲: ۱۲-۱۳؛ اعمال ۴: ۳:

آ. مشارکت الهی، ما را یکپارچه می کند؛ یعنی، ما را تنظیم، هماهنگ، تعدیل کرده و در هم می آمیزد تا یک بدن شویم - اول قرنیتان ۱۰: ۱۷؛ ۱۲: ۲۴-۲۵:

۱. با هم یکپارچه شدن یعنی از طریق صلیب بودن و همه کار را توسط روح انجام دادن برای توزیع مسیح به درون دیگران به خاطر بدن مسیح - دوم تواریخ ۱: ۱۰.

۲. ما هیچ کار را نباید بدون مشارکت با دیگر مقدسین که با ما هماهنگی می کنند انجام دهیم؛ مشارکت ما را ملزم می کند که وقتی در شرف انجام کاری هستیم، متوقف شویم - حزقیال ۱: ۱۱-۱۴.

ب. با محدود شدن در مشارکت الهی، بدن مسیح در یگانگی حفظ می شود، و کار خدمتگزاری ادامه می یابد؛ آن مورد که همه چیز را زنده نگه می دارد مشارکت است - افسسیان ۴: ۱۱-۱۲؛ حزقیال ۴۷: ۹.

پ. ما باید آن رسول را سرمشق قرار دهیم تا کلیساهای محلی را به درون مشارکت بدن مسیح آورده و ردپای رسولان را دنبال کنیم تا همه مقدسین را به درون حیات یکپارچگی کل بدن مسیح آوریم

– رومیان ۱۴:۳؛ ۱۵:۷-۹، ۲۵-۳۳؛ باب ۱۶.

ت. ما باید دارای واقعیت مشارکت و یکپارچگی بدن مسیح باشیم؛ در غیر این صورت، علیرغم اینکه چه مقدار پیگیری کرده و چقدر ساده و فروتن باشیم، دیر یا زود درین ما مشکل و حتی تفرقه ایجاد خواهد شد.

ث. مقصود از یکپارچگی این است که همگی ما را به درون واقعیت بدن مسیح آورد؛ ما برای یک هدف کلیسای محلی را گرامی می‌داریم – ما باید در کلیسای محلی باشیم به عنوان آن روش که ما را به واقعیت بدن مسیح می‌آورد.